

# صد آفرینش

## سیده رقیه سیدی جربندی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

و دبیر دین و زندگی دبیرستان‌های شهرستان نکا

## کاوشی در شخصیت قرآنی

### حضرت فاطمه (س)

چکیده

بی‌گمان سخن گفتن از شخصیت قرآنی حضرت فاطمه (س) که نزد خداوند، پیامبر (ص) و ائمه - علیهم‌السلام - جایگاه بی‌بدیلی دارد، بسیار دشوار است اما معرفی این بانوی بزرگ الهی و دخت شایسته رسول خدا (ص) توسط آن بزرگواران، اندکی از سختی کار کاسته است به نظر ما و با استناد به آیات الهی و روایات اسلامی وجود حضرت صدیقه طاهره (س) بیانگر دو امر مهم است: اول اینکه فاطمه (س) بانویی است که خداوند پاکیزگی او را اراده نموده است؛ دوم اینکه فاطمه (س) و رهنمودهای ایشان بهترین الگو و نمونه برای زنان است که بیش از نیمی از جمعیت بنی آدم (ع) را تشکیل می‌دهند؛ شخصیتی که ابعاد وجودی او کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا بایسته است این بانوی نمونه با استناد به آیات قرآن کریم و روایات وارده از ائمه - علیهم‌السلام - به نحو احسن معرفی گردد. از این‌رو در پژوهش حاضر در آغاز به معرفی شخصیت فاطمه (س) از منظر قرآنی می‌پردازیم و سپس سیره و گفتار آن حضرت را نسبت به قرآن شرح می‌دهیم.

◀ کلیدواژه‌ها: قرآن، حضرت فاطمه (س)، شخصیت قرآنی، زن

### ۱. زهرا (س) در آئینه قرآن

#### الف) آیه مباهله

خداوند متعال در سوره آل عمران آیه ۶۱ فرموده‌اند: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.» پس هر کسی با تو درباره عیسی (ع) در مقام مجادله برآید؛ بعد از آنکه به وحی خدا به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما بخوانیم فرزندان، زنان و نفوس خود را تا با هم به مباهله برخیزیم (یعنی در حق یکدیگر نفرین کنیم و در دعا و التجا به درگاه خدا اصرار نماییم)؛ تا دروغ‌گویان و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

در روایات اسلامی، از طرق گوناگون در تفسیرهای اهل سنت و شیعه آمده است که در سال دهم هجری، گروهی در حدود ۶۰ تن از علما و رؤسای مسیحی به مدینه آمدند تا موقعیت خود را در برابر اسلام روشن کنند و نیز با پیامبر خدا درباره اسلام و مسیحیت گفت‌وگو نمایند. آنان با پیامبر خدا (ص) ملاقات کردند و به مباحثات طولانی پرداختند، اما قانع نشدند. حضرت (ص) هم به فرمان خدا ایشان را دعوت به مباهله کرد تا راست‌گو از دروغ‌گو جدا گردد. نصاری بدان راضی شدند و زمان و مکان را مشخص کردند.

در آن روز پیامبر - بر طبق روایات - با نزدیک‌ترین و عزیزترین کسان خود، به صحنه مباهله آمدند. در این آیه شریفه که پیامبر خانواده خود را در معرض مباهله قرار می‌دهد، تعبیرهای بسیار شگفتی می‌شود! از علی (ع) به نفس پیامبر (ص) یاد شد، حسن و حسین، فرزندان پیامبر (ص) به‌شمار آمده‌اند و از فاطمه به عنوان برترین بانو از وابستگان تعبیر شده است. گویی هر چند زنان متعددی در خانه



پیامبر(ص) حضور دارند، تنها یک شخصیت به نمایندگی از خانه نبی اکرم (صلی...علیه و آله) از جنس اناث در صحنه حاضر است. از جنس ذکور، پیامبر، علی، حسن و حسین حضور یافته‌اند و این افراد ترکیب ویژه‌ای را به وجود می‌آورند؛ به گونه‌ای که ترسایان بنی‌نجران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از مباحله با حضرت منصرف می‌شوند و مهتر ایشان فریاد می‌کشد و می‌گوید: ای یاران! از مباحله با اینان بپرهیزید؛ زیرا اگر این فرد، پیامبر نبود و به حقانیت خود اطمینان نداشت، عزیزان خود را نمی‌آورد.

علمای بزرگی از اهل سنت چون مسلم، ترمذی، ابن‌منذر، حاکم و بیهقی همگی نقل کرده‌اند که چون این آیه نازل شد، پیامبر(ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین را فرخواند و فرمود: این‌ها اهل من هستند (السیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۳). علامه طباطبایی(ره) در ذیل آیه فرموده‌اند: اگر اشکال شود که آیه نمی‌تواند در شأن علی، فاطمه و حسنین(علیهم‌السلام) نازل شده باشد، برای اینکه لفظ جمع وقتی استعمال می‌شود که حداقل سه عدد مصداق داشته باشد و کلمه «تساء» بر یک تن «فاطمه(س)» صادق نیست و کلمه «ابنائنا» در مورد حسنین(علیهم‌السلام) که دو تن‌اند استعمال نمی‌شود و همچنین استعمال کلمه «انفسنا» بر یک تن (علی(ع)) صحیح نیست، پاسخ این است که صدق کلام، موقوف بر متعدد بودن اینها و بسیار بودن نسا و انفس نیست؛ زیرا: مقصود نهایی از این نفرین این است که یکی از دو طرف با همه نفراش از صغیر و کبیر و مرد و زن برای همیشه هلاک گردد.

مفسرین هم اتفاق دارند و روایات هم متفق‌اند و تاریخ هم مؤید است که رسول خدا(ص) وقتی برای مباحله حاضر شد، احدی به جز علی، فاطمه و حسنین(علیهم‌السلام) را با خود نیاورد. پس، از ناحیه آن جناب، کسی حضور به هم نرسانید، مگر دو نفس و دو ابن و یک زن و با آوردن اینان رسول خدا(ص) امر پروردگارش را امتثال نمود (الطباطبایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۲۲۵). آری، اینکه پیامبر گرامی، فاطمه(س) را در این درگیری اجتماعی - اقتصادی به حضور می‌خواند و او را در چنین مخاطره‌ای قرار می‌دهد، نمونه‌ای بارز و آشکار از شخصیت ممتاز و مبین رابطه ویژه میان فاطمه(س) و جریان فکری و فرهنگی رسالت است که قرآن آن را بازگو می‌کند.

### ب) آیه اطعام

در آیات ۷-۸ سوره انسان، حق تعالی فرموده است: «يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُهُ مُسْتَطِيرًا \* وَيَطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْبِهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا.»؛ بندگان نیکو به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر و سختی‌اش همه اهل محشر را فرا می‌گیرد، می‌ترسند و هم بر دوستی او (یعنی خدا) به فقیر، اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند.

علامه طباطبایی(ره) در ذیل آیات فوق از تفسیر کشف نقل می‌کنند که ابن عباس گفته است: وقتی حسنین بیمار شدند و پیامبر(ص) با عده‌ای به ملاقات آن‌ها آمدند، برخی برای شفای حسنین به حضرت امیرالمؤمنین پیشنهاد کردند تا نذر کند. حضرت علی، فاطمه علیهما السلام و فضة خادمه نیز نذر کردند اگر بهبودی کودک حاصل شود سه روز روزه بگیرند. بچه‌ها بهبودی یافتند و اثری از کسالت باقی نماند. بعد از بهبودی، حضرت علی(ع) از شخصی یهودی سه من جو قرض نمود و حضرت زهرا(س) آن را خمیر کرد؛ پنج قرص نان را به عدد افراد خانه پخت و جلوی آن‌ها گذاشت. در همین بین سائلی وارد شد و سلام کرد و گفت: مرا طعام دهید تا خدا شما را از مانده‌های بهشتی طعام دهد. افطار خود را به او دادند. آن شب نیز جز آب چیزی نخوردند و با شکم خالی نیت روزه کردند. هنگام افطار روز دوم، اطعام را جلوی خود قرار دادند. یتیمی بر در سرایشان آمد و غذا خواست و غذایشان را به او دادند و چیزی جز آب نخوردند و با شکم خالی نیت روزه کردند. در شب سوم اسیری آمد و همان عمل انجام شد (آنچه از برخی روایات مشخص می‌شود این است که اسیر، کافر بوده؛ چون در مملکت اسلامی، اسیر مسلمان معنا ندارد).

صبح روز چهارم حضرت علی(ع) همراه امام حسن و امام حسین(ع) نزد پیامبر(ص) آمدند. پیامبر بچه‌ها را که با آن وضعیت دید فرمود: چقدر بر من دشوار است که شما را این گونه ببینم. آن‌گاه با علی(ع) وارد خانه فاطمه(س) شد؛ او را در محراب یافت که از شدت گرسنگی چشمانش گرد شده بود. ناراحت شد. در همین حال جبرئیل با سوره دهر نازل شد و فرمود: «خدا تو را در داشتن چنین اهل بیتی تهنیت می‌گوید، آن‌گاه سوره را قرائت کرد.» (القرطبی، ۱۴۰۵، ج ۹، ۶۹۲۱).

### ج) سوره کوثر

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ. إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.» به نام خداوند بخشنده مهربان؛ (ای رسول گرامی) ما تو را کوثر بخشیدیم پس تو هم (به شکرانه آن نعم) برای خدا به نماز و قربانی (و مناسک حج) بپرداز. که محققاً دشمن بدگوی تو (عاص بن وائل) مقطوع‌النسل (و نسل تو تا قیامت به کثرت و عزت باقی) است. در آیه کریمه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» فعل ماضی «اعطیناک» دال بر تحقق وقوع کوثر است و کوثر بر وزن فَوْعَل، صیغه مبالغه است و آن جویی است در بهشت که جمع چشمه‌های بهشت از آن جاری می‌گردد. آنهار بهشت که در قرآن آمده است، کوثر خاص رسول خداست. فاطمه زهرا(س) آن کوثری است که همه آنهار علوم و معارف از آن کوثر جاری است و عالم را این شجره طیبه طوبای ولایت فرا گرفته است (حسن‌زاده املی، ۱۳۷۹، ۲۶۵).

فخر رازی این سوره را از شواهد اعجاز قرآن می‌داند که خبر از غیب داده است (الرازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۱۶) و مطابق آمار، امروزه میلیون‌ها انسان از نسل پیامبر و فرزندان فاطمه زهرایند. قرآن کریم با وصف زیبایی چون کوثر، بر فاطمه زهرا(س) که هم بسیار و هم خیر است، عطای او را به پیامبر یادآور می‌شود و از ایشان می‌خواهد که نسبت به چنین نعمتی سپاسگزاری کند؛ زیرا زهرا(س) منشأ خیر و برکت و بالندگی است. به همین دلیل مفسرانی به تبعیت فخر رازی در ذکر یکی از احتمالات معنای آیه می‌نویسند: کوثر، اولاد پیامبر است (اولادی که از نسل فاطمه‌اند) و این سوره در پاسخ به شماتت دشمنان آن حضرت نازل شد که می‌گفتند او فرزندی ندارد، لذا معنای آیه این می‌شود: ما به تو کسی را دادیم که نسل تو از او در طول زمان باقی می‌ماند. اینک نگاه کنید که چقدر از فرزندان اهل بیت کشته شده، در حالی که دانشمندان بسیاری از فرزندان آن حضرت جهان را پر کرده‌اند و از بنی‌امیه در این دنیا کسی نمانده است (همان، ص ۳۱۳).

### ۲. قرآن در منظر حضرت فاطمه(س)

یکی از ویژگی‌های معارف اهل بیت(ع) توجه و تأکید نسبت به قرآن است. در پرتو نگاه به صدها روایت، سیره علمی و موضع‌گیری، در گفت‌وگوها و جدال با مخالفان به خوبی آشکار می‌گردد که آنان قرآن کریم را محور هدایت و منبع اصلی رسالت می‌دانسته و آن را مرجع دینی، علمی و فقهی و راه و روش علمی قرار می‌داده‌اند.

مهم‌ترین بخش این سخنان، در تعظیم و جلالت قرآن و کاربردهای آن در زندگی انسان است. فاطمه زهرا(س) در نخستین خطبه‌ای که پس از فوت پدر و در دفاع از فدک در مسجد پیامبر(ص) می‌خواند، به این نکته یادآور می‌شود: «لله فیکم عهد قدّمه الیکم و بقیة استخلفها علیکم.» خدای را در بین شما عهد و پیمانی است که پیش از این به شما گفته و یادگاری است که برای شما بر جای مانده است. آری، قرآن بازمانده پیامبر و عهد میان مردم و خداست.

تعبیرهای دیگری نیز در برخی خطبه‌های حضرت در فضیلت قرآن آمده که نشان می‌دهد فاطمه(س) با نگاهی عمیق به قرآن چشم دوخته است. از آن جمله می‌فرماید: «فیه تبیان حجج الله المنیره» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱: ۹۱۰)؛ قرآن کریم بیانگر حجت‌های آشکار خداوند است. در این کتاب، احکام حلال، حرام و فضایل تدوین یافته، کلمات کافی، مباحات و شرایع نوشته شده و دلایل آشکار است. آن حضرت قرآن را سرچشمه معارف و احکام الهی می‌داند و اگر در سنت مطلبی بیان می‌گردد، در تفسیر و تفصیل همان احکام قرآن است. از منظر آن حضرت، قرائت، حفظ و فهم به تنهایی مدخلیت ندارد، آنچه اصل و اساس است، تلبس مسلمان به لباس دستورات قرآن است. لذا حضرت می‌فرماید: اگر فرد مسلمان پیرو قرآن باشد،



سعادت‌مند خواهد شد و به نجات رهنمون خواهد گردید (همان، ص ۶۵۹).

### ۳. سیره قرآنی فاطمه(س)

فاطمه زهرا(س)، افزون بر توصیه‌ها، تعظیم و اهتمام به قرآن، خود در مقام عمل و تجسم معارف و اخلاق، یک شخصیت قرآنی بود. حضرت زهرا(س) از کودکی در خانه وحی با قرآن مأنوس بود. پدر که قرآن می‌خواند، او می‌شنید و گوش جان به قرآن می‌سپرد تا جایی که می‌توان گفت، کسی پس از پیامبر(ص) به اندازه فاطمه(س) به قرآن نزدیک نبود. او پاره تن پیامبر بود و در منزل وحی زیست می‌کرد و آموزه‌های وحی را به‌طور مستقیم در اختیار می‌گرفت. چه شب‌هایی که پدر به شب زنده‌داری و قرائت قرآن مشغول بود و او که دختری خردسال بود، صدای قرائت پدر را می‌شنید و با پدر همراهی می‌کرد.

دختر پیامبر(ص) پس از اینکه با علی(ع) ازدواج کرد، باز هم از پدر جدا نبود و همواره پدر را ملاقات می‌کرد و شاهد نزول وحی بر پیامبر(ص) بود و از خصوصیات آیات، نزول و تفسیر آن مطلع می‌گردید. آنچه مفسران سنی و شیعه درباره امام علی(ع) نقل کرده‌اند که آیه‌ای نیست که نازل شده باشد و من ندانم که کجا و کی آمده؛ در شب نازل شده یا در روز، در دشت فرود آمده یا در کوهستان (طباطبایی، ۱۳۸۶ ش، ۴: ۸۶)، درباره فاطمه(س) نیز صادق است.

بنابراین، با توجه به شواهد تاریخی و اظهار نظر ائمه معصومین(ع) درباره علم فاطمه و مصحف فاطمه(س) - که قرآن نبوده ولی علوم و معارف اسلامی تدوین شده است - فاطمه(س) نخستین کسی است که از نزدیک با پیامبر، قرآن و معارف وی در میان زنان آشنایی پیدا کرده است. از این رو در روایت رسیده است که: «فاطمه بَحر النُّبوة». فاطمه(س) دریای نبوت است. انس فاطمه(س) با قرآن چنان است که هنگام احتضار به شوهرش علی(ع) وصیت می‌کند که پس از مرگ من تا می‌توانید برای من قرآن بخوانید؛ زیرا پس از مرگ در آن هنگام که میت را در قبر می‌گذارند، زمانی است که نیازمند انس با قرآن است؛ آن چنان که زندگان نیز چنین انسی دارند (همان). از نکات قابل تأکید، توصیه‌های فاطمه(س) نسبت به قرآن است. آن حضرت، شخصیتی قرآنی بود و فرزندان خود حسن، حسین و زینب (علیهم‌السلام) را نیز قرآنی تربیت کرد. او حتی خادمه خود فضه را با قرآن چنان مأنوس کرده بود که در سال‌های آخر عمرش جز با آیات قرآن سخن نمی‌گفت (المجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۳، ۸۶). و در خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی که جنبه احتجاج داشت، باز درباره قرآن سخن می‌گفت. شیخ صدوق از زینب، فرزندش، نقل می‌کند که او در خطبه خود، درباره قرآن سخن گفت و مقام و موقعیت قرآن را شرح داد و ویژگی‌های آن را بازگو کرد (القمی، بی‌تا، ۲۴۸) همه این‌ها

نشان می‌دهد که میان فاطمه(س) و قرآن رابطه‌ای قوی وجود داشته است.

### نتیجه

#### نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرح زیرند:

۱. بهترین روش شناخت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا(س)، که مردم از معرفت ایشان محروم‌اند، تحلیل ثقلین یعنی قرآن کریم و سنت معصومین(ع) است. از این طریق می‌توان به شناختی اجمالی از آن حقیقت الهی دست یافت.
۲. سخن از شخصیتی است که طلوع و غروب عمر ظاهری‌شان مقارن با آغاز و انجام نزول وحی الهی بر پیامبر اکرم(ص) بوده است. نه تنها پاره تن پیامبر(ص) بود بلکه رشح‌های از حقیقت نبوی و پاره‌ای از نور محمدی در وجودش جریان داشت.
۳. آیات مباهله، هل آتی و به‌خصوص سوره کوثر، سیمای نورانی آن حضرت را نشان می‌دهد و از مقام و منزلت کوثر قرآن حکایت دارد؛ همان مظلومه‌ای که به صراحت در کلام پیامبر(ص) اصل درخت رسالت معرفی شده است.
۴. تحلیل زندگی بانوی بزرگ، حضرت زهرا(س)، نشان می‌دهد که فاطمه(س) بانویی است که در ایمان و عقیده، فکر و اندیشه، عمل به وظایف واجب و رفتار و کردار در حوزه‌های فردی و اجتماعی، از آبشخور قرآن کریم الهام گرفته و این الهام را در سراسر زندگانی کوتاه خویش، به منصفه ظهور رسانده است.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله؛ **عوامل العلوم**، قم، مؤسسه الامام المهدی(عج)، ۱۴۱۱ ه.ق.
۳. حسن‌زاده آملی، حسن؛ **شرح فص حکمة عصمتیه فی کلمة فاطمیه**، بی‌جا، نشر طوبی، ۱۳۷۹.
۴. الرازی، محمد بن عمر؛ **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه.ق.
۵. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن؛ **الدّر المنثور فی تفسیر بالمأثور**، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
۶. طباطبایی، السید محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، مطبعه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ه.ق - ۱۳۷۱ ه.ش.
۷. طباطبایی، سیدمحمد؛ **«معرفت کوثر قرآن» فصلنامه بینات**، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱۳۸۶.
۸. القرطبی، محمد بن احمد؛ **الجامع لاحکام القرآن**، محقق: احمد عبدالعلیم البرودنی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه.ق.
۹. القمی (الشیخ الصدوق)، الحسین بن بابویه؛ **علل الشرایع**، قم، مکتبه الذّواری، بی‌تا.
۱۰. المجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار**، لبنان، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.

